



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۱۸ می ۲۰۲۰

حمید انوری

GETTY IMAGES

تقسیم سه قرص نان به چهار فامیل

کابل – کرونا و دبدبه یک آقا

میدانیم و آگاه هستیم که ویروس کرونا در سرتا سر جهان، بیداد میکند. افغانستان برباد داده شده نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. تعدادی از گرسنگی و بیچارگی و فاقگی می میرند، عده ای از بیکاری، شماری از انتحاری و انفجاری، بقیه را هم یا کرونا و می کُشد، یا ویسرا و طالبا و بد و بلای دیگر. در هر صورت مردم مظلوم افغانستان در یک جنگ اعلان ناشده زمینی و آسمانی، بی محابا کشتار می شوند و آب از آب تکان نمی خورد. زمانی شاعر شیرین سخن "انوری ابیوردی" چه زیبا سروده بود:

هر بلایی کز آسمان آید

گرچه بر دیگری قضا باشد

بر زمین نا رسیده می گوید

خانه انوری کجا باشد

کاش "انوری ابیوردی" زنده می بود، اوضاع افغانستان کنونی را نظاره کرده و شکر خدای خود را می کرد که زنده نبود و در افغانستان نبود و نظاره گر این همه بدبختی و فقر و مرض و مرگ و میر و کشتار نبود، هرچند ایران هم وضع بهتری از افغانستان ندارد و در چنگال ملا و کرونا خورد و خمیر شده است.

حال باید گفت که آنهمه بلا، که گوئی از آسمان بر زمین فرود می آمد و بر زمین نارسیده آدرس خانه انوری ابیوردی را جویا می شد، امروزه روز، چپ و راست، پائین و بالا، شرق و غرب و

شمال و جنوب، آدرس دقیق افغانستان را از نقشه و امانده "گوگل"، کاپی کرده و یکه راست و بدون پرسیان و جویان و پاسپورت و ویزه، وارد افغانستان تکه تکه و پارچه پارچه می گردد و دمار از روزگار مردم مظلوم ما بدر می آورد.

همین چندی قبل بود که اعلان کردند در کابل و قندهار و هرات و بلخ و بامیان و خلاصه در اکثر ولایات افغانستان، ویروس کرونا مشغول کشتار است، البته کرونای طالبی و تنظیمی و جهادی، دیربست در آن خطه باستانی، مشغول کشتار و چور و غارت است، این کرونا هم، سر زلفش و چنان بود که در اکثر شهر ها و ولایات کشور گویا قرنطین اعلان گردید و...

اینکه قرنطین مردم در شهر های بزرگ، چه تعداد از هموطنان مظلوم ما را در اثر گرسنگی هلاک کرده و میکند هنوز، بماند سر جایش، اما دیدیم که باد شد و باران شد و مقامات "مسؤل" از خواب خرگوش بیدار شدند و به فکر هموطنان مظلوم و بیچاره و خانه به دوش و بی کار و بی روزگار و روزمزد و... ، ما افتیدند، گفتیم که ای والله، چه اتفاق افتاد و آفتاب از کدام سمت دمید که امروز یاد فقرا کردند؟!

عاقبت دیدیم و شنیدیم و خواندیم که چند بوجی گندم بین خانواده های بی بضاعت ترکه و تقسیم شد که آنهم نظر به گزارشات متعدد، از طرف مقامات پائین رتبه و اندر ره انتقال به خانواده های بی بضاعت در کابل و هرات و...، جوال های متذکره، نصف، نصف شدند که نصف پُر به خانه های آغازادگان خالی شد و نصف خالی جوال ها یا بوجی ها از سنگ و سنگج و خس و خاشاک پُر شد.

اما مشکل اساسی باز هم در این بود که در همان زمان قرنطین، تمام آسیاب ها، مسدود بودند و... از اینها که بگذریم و برگردیم به اصل موضوع و آنهم اینکه، حکومت کابل تصمیم گرفت تا برای خانواده های بی بضاعت و محتاج، نان خشک توزیع کند. شاروال کابل که تازه منتصب شده بود، وظیفه یافت تا توزیع نان خشک به خانواده ها را به عهده گرفته، ضرب و جمع و تفریق و تقسیم کند و نتیجه را به ریاست جمهوری پا در هوا، گزارش دهد، تا طبق آن آجندا، توزیع نان آغاز گردد.

می گویند جناب شاروال، روزی از روزها، جهت انجام کارخانگی خود، مجبور شد سری به چند دکان نانوائی یا خبازی در مرکز شهر کابل بزند، تعداد بوجی های آرد در هر خبازی و اینکه هر بوجی آرد چند قرص نان می دهد و وزن هر نان چند گرام است و یک نان چند فطیر می شود و... معلومات حاصل کرده و بعد در دفتر مفشن خود، در حالیکه ایرکاندیشن آن به بلندترین درجه

مشغول فعالیت است، یک نفر مخصوص هم پکۀ دستی در دست، سر و روی جناب را پکه میزند و مگس ها را می راند، مشغول حل معادله چند مجهوله گردد.

و چنان بود که سفر پر مشقت و پُر مخاطره آغاز شد، موتر های ضد گلوله و بادیگارد ها آماده شدند، سرک ها قروغ گردیدند، جناب شاروال بعد از طی مسافۀ نه کم و نه زیاد، بعد از ده دقیقه و چند ثانیه، از یکی از موتر های ضدگلوله در مرکز شهر پیاده شد، بادیگارد های تا دندان مسلح، به فعالیت آغاز کردند و حتی پشه را هم نمی گذاشتند تا از آن فضا عبور کند، تا مبادا جناب شاروال را نیشی بزنند.

داستان اگر در همینجا پایان می یافت، در اوضاع و احوال و شرایط کنونی کشور برباد داده شده ما، کاملاً عادی بود، مگر با درد و دریغ که این شاروال صاحب جدید، یک نوآوری مبتکرانه را



به نمایش گذاشتند که خلاق انگشت حیرت به دندان گرفتند و بر شیطان لعنت فرستادند، اما از برزبان آوردن "بزرگ" خودداری کردند و بزرگ آنها زیر لب زمزمه کرده می گفتند لعنت بر شیطان "بزرگ".

و اما این نوآوری در نخستین دقایق، دهان به دهان گشت و آوازه و دروازه آن تا این سر دنیا هم رسید و ما مردم

از تعجب، قوت از سر ما پرید. شاروال صاحب جدید، یک نفر مخصوص را مقرر نموده اند تا هر گاهی که ناغلطی هوس رفتن به هوای آزاد را می کنند، یک چتری بزرگ را بالای سر جناب نگهدارد، تا آغازده را آفتاب اذیت نکند.

قانون عام الشمول حفظ فاصله معینه افراد از همدیگر، در شرایط قرنطین و بیداد ویروس کرونا، چرا زیرپا گردید و نادیده گرفته شد؟!

حال اینکه جناب شاروال کارخانگی را توانستند به صورت درست انجام دهند یا نه، به خدای حق معلوم، اما گزارشات از دفتر مفشن شاروالی کابل حاکی از آن است که بعد از آنهمه جار و جنجال و کش و فش، بعد از آنهمه ضرب و تقسیم و جمع و تفریق، بعد از گفت و گو ها با خبازان جاده نادریشتون و بعد از تحقیقات همه جانبه ده دقیقه ئی در محل، جناب شاروال عاجز مانده اند که سه قرص نان را به چهار خانواده، چگونه تقسیم کنند و به هر خانواده چند قرص نان می رسد. واقعاً هم، حل این معادله چهار مجهوله، حتی از عهده عقل کل هم پوره نبود.

الحق زمانی که قصه به اینجا رسید، خبر آوردند که جناب شاروال جدید، جدیداً به ویروس کرونا مبتلا گردیده اند. میگویند آنجناب اذعان دارند که همان ده دقیقه سفر پُرمخاطره و صعب العبور، باعث مصاب جناب عالی به ویروس کرونا گردیده است.

و اما در آن دستگاه بی در و پیکر، در آن قصر بدمنظر و در آن بید بی ثمر (سپیدار) و در آن شاروالی انجر و بنجر، کسی نبود تا به جناب شاروال می فهماند که بدون ماسک و دستکش از دفتر خارج نشود!؟

حال اگر کریدت این عمل را به جناب شاروال بدهیم که نخواست گویا باعث تحقیر خبازان گردد، آیا فکر نمی کرد که وظیفه شاروال است تا این قیودات را جدی گرفته، نه تنها بالای مردم، بلکه بالای خود نیز تطبیق کند. چه می دانیم، شاید یکی دو خباز و سه یا چهار شاگرد نانو را از جناب شاروال، ویروس کرونا گرفته باشد.

به این گزارش توجه کنید:

شهردار(شاروال) کابل ابتلا به کرونا را تایید کرد

[داوود سلطان زوی، شهردار (شاروال) کابل امروز در گفتگو با بی بی سی گفت که نتیجه تست کرونایش مثبت شده است. او همچنین گفت که همسرش نیز تست کرونا داده که نتیجه منفی است. شهردار(شاروال) کابل اضافه کرد که ممکن است هنگام نظارت از اجرای برنامه توزیع نان به نیازمندان شهر کابل، به کرونا مبتلا شده باشد.

حضور آقای سلطان زوی در هنگام بازدید از نانوایی های شهر کابل در حالی که فاصله اجتماعی را رعایت نکرده و دستکش و ماسک نپوشیده، اما چتر گرفته است، با واکنش (عسک العمل) های کاربران شبکه های اجتماعی افغانستان همراه شده بود.

چتر 'تکبر' یا 'مهربانی'؟ انتشار ویدئویی از بازدید داوود سلطان زوی، شهردار(شاروال) کابل، از روند توزیع نان رایگان برای مردم آسیب...

آقای سلطان زوی گفت که وضعیت اش خوب است و هر روز "سرکار در فضای باز" حاضر می شود.]

در اخیر باید علاوه کرد اینکه خوشحالیم خانم شان به سلامت هستند و امیدواریم تا جناب شاروال هم صحت یاب گردند، چتری بردار خود را یا رخصت فرمایند و یا هم به یک وظیفه آبرومند بگمارند، اما اینکه در شرایط کنونی که کرونا بیداد میکند و شرایط قرنطین در کابل حکمفرما است، چرا و چگونه و به کدام منطق، جناب شان با وجودیکه مصاب به ویروس کرونا هستند، هر

روز "در فضای باز" به کار حاضر می شوند، خود سوالیست، چهار مجعوله، مگر نه این است که آنانی که به این ویروس مدهش و خانمان برانداز مبتلا می شوند، کم از کم، سه تا چهار هفته تحت مراقبت شدید دکتوران معالج در شفاخانه به سر برند و هیچ کسی، حتی زن و فرزندان اجازه ندارند از آنها بازدید نمایند.

"کار در فضای باز"، یعنی چه؟!

آیا با اینهمه کش و فش و دبدبه و لاو لشکر و دریور و بادیاگار و چتری بردار و...، امکانات آن میسر نیست که جناب شاروال وظایف خود را از طریق انترنت انجام دهند؟! از طرف دیگر این کاملاً خلاف تمام مقررات قرنطین است که یک فرد مصاب به ویروس، فارغالبال "در فضای باز" به کار مشغول شود. از تعارف کم کن و بر مبلغ بیفزای. چتری بردار را رخصت کن، بادیاگارد ها را رخصت کن و هنگامیکه به ویروس کرونا مصاب هستی، از شفاخانه یا خانه خارج نشو تا دیگران را به این ویروس مبتلا نسازی. از داکتر رمضان بشر دوست اندکی بیآموز و مُقلد عبدالله و کج کلاه نباش.

من آنچه شرط بلاغست با تو می گویم

تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال